



### هشدار نارنجی هوشناسی

رئیس سازمان امداد و نجات جمعیت هلال احمر کشور، از آماده‌باش کامل تیم‌های امدادی و عملیاتی هلال احمر هشت استان در پی هشدار سطح نارنجی سازمان هوشناسی خبر داد. به گزارش مهر، بابک محمودی با اشاره به هشدار نارنجی سازمان هوشناسی افزود: «بر اثر هشدار سطح نارنجی سازمان هوشناسی مبنی بر مخاطره رگبار شدید باران، رعدوبرق، احتمال تگرگ، وزش باد شدید موقتی و در ارتفاعات احتمال بارش برف، تیم‌های امدادی و عملیاتی جمعیت هلال احمر در هشت استان کشور به حالت آماده‌باش کامل درآمدند.» او درباره وضعیت جوی توضیح داد: «امروز - شنبه - در استان‌های گیلان، مازندران، غرب گلستان، ارتفاعات و دامنه در شمال استان‌های سمنان، تهران و البرز این پدیده پیش‌بینی شده است.»

### ادامه سرمقاله

از این نظر، نماز جمعه دیروز معنادار و در ادامه نماز قبلی ایشان بود که در سال ۱۳۹۸ و پس از حمله موشکی به عین‌الاسد و در پاسخ به ترور سردار سلیمانی برگزار شد.

محتوای خطبه‌ها نیز غیرمنتظره نبود. خطبه اول، متمرکز بر ضرورت اتحاد مردم و کشورهای اسلامی بود. طبیعی است وحدت فراملی مستلزم وجود اتحاد در سطح جامعه است. به عبارت دیگر، مستلزم وجود وحدت در سطح و درون حکومت و نیز وحدت حکومت با مردم، و بالاخره مردم با یکدیگر است. متأسفانه رفتار روزهای گذشته تندرهای داخلی به‌روشنی مغایر با این رویکرد بود و بیش از اینکه در زمین وحدت بازی کنند، دنبال دشمنی و نفرت‌پرانی داخلی بودند.

خطبه دوم نیز در دفاع از کلیت جنبش فلسطین و حزب‌الله و ضرورت پیگیری پیام آنان بود و اینکه این شیوه سرکوب مردمی که زندگی و سرزمین خود را از دست رفته می‌بینند، نتیجه‌ای نخواهد داشت. فراتر از این دو مضمون کلی، محتوای خطبه‌های این نماز نشان داد که ایران دنبال ادامه تنش و جنگ نیست. البته یکی از شروط لازم برای پرهیز از جنگ و تنش، داشتن قدرت از جمله قدرت نظامی آن است. همچنین پرهیز از جنگ مستلزم وجود رویکردهای دیپلماتیک مؤثر است. به نظر می‌رسد آنچه که خطر جنگ را افزایش می‌دهد، فقدان ایده‌های سازنده سیاسی بر روی میز خاورمیانه است. در واقع، دیر یازود چنین ایده‌هایی تولید خواهد شد و روی میز قرار داده می‌شود؛ ولی تا آن روز هرکس دنبال تغییر صحنه بازی به سود خودش است تا بلکه امتیازات بیشتری به دست آورد، غافل از اینکه همین امتیازخواهی‌ها است که کار را به بن‌بست رسانده است.

تردید وجود ندارد که اگر با تداوم جنگ و سرکوب و ترور و تقطیر می‌توانستند پیروز نهایی شوند، تا حالا مسئله‌ای در جهان باقی نمانده بود. مشکل این است که حتی پیروزی‌های نظامی هم اگر پیوسته‌های سیاسی منصفانه‌ای نداشته باشند، به‌سرعت شکست می‌خورد و جامعه و منطقه را ملتهم و آماده درگیری می‌سازد. تجربه غرب از جنگ جهانی اول و به تسلیم و ادار کردن آلمان، پیش روی همگان است. همین تجربه بود که توانستند از آن درس بگیرند و در جنگ جهانی دوم به گونه دیگری رفتار کنند. اکنون صهیونیسم با پشتوانه مظلوم‌نمایی به دلیل هلوکاست می‌کوشد که با به گروگان گرفتن مردم منطقه و کل جهان اهداف نامشروع خود را پیش ببرد؛ درحالی که قدرت‌های بسیار قوی‌تر از آن هم، نتوانسته‌اند چنین اهدافی را محقق کنند. چه شاهدهی بهتر از مقایسه امروز با سال گذشته است؟ علی‌رغم تلفات بسیار سنگینی که به مردم منطقه و رهبران جنبش مقاومت وارد شده است، ولی سال گذشته راه‌حل دودولتی در دستور کار کشورهای ذیربط نبود؛ درحالی که امسال جز اسرائیل حتی ایالات متحده آن را یگانه راه‌حل می‌دانند.

نمی‌دانیم روزهای آینده چه خواهد شد؛ ولی امیدواریم پیام ایران شنیده و ماجراجویی‌های اسرائیل متوقف شود.

## نشست و هم‌اندیشی کنشگران و فعالان حوزه کارگری درباره وضعیت حوادث کار در ایران

# جان کارگران مهم است

فعالان حوزه بهداشت ایمنی می‌گویند از اوایل دهه ۹۰ امکان ورود به این حوزه بدون داشتن مدرک مرتبط ایجاد شد



سارا سبزی  
خبرنگار گروه جامعه

آخرین خبر از معدن طبس که روز پیش منتشر شد، تایید قصور در زمینه ایمنی نبود ایمنی، تأیید شده و این قصور متوجه مسئولان معدن است. حادثه‌ای که ۳۱ شهریورماه در معدن زغال سنگ معدنچورخ داد و جان ۵۲ کارگر را گرفت؛ اتفاقی که بار دیگر پای بحث ایمنی کار را به میان آورد. سال گذشته دو هزار و ۱۱۵ کارگر در حین کار و حوادث ناشی از آن جان خود را از دست دادند و تلفات حین کار شامل هزار و ۹۰۰ کارگر اعلام شده است؛ این یعنی ۱۱/۳ درصد مرگ کارگران بر اثر حادثه و در حین کار افزایش داشته است. از کل تلفات حوادث محیط کار در سال گذشته، دو هزار و ۹۴ نفر مرد و ۲۱ نفر زن بوده‌اند؛ این درحالی است که تعداد مردان فوت‌شده در حوادث محیط‌های کاری در سال ۱۴۰۱ هزار و ۸۷۰ نفر مرد و تعداد ۳۰ نفر زن بوده است. این آمارها در حالی مطرح می‌شود که معاون وزیر کار معتقد است، این رقم در کشور ما از رنج جهانی پایین‌تر است؛ در سال ۱۴۰۱ ضریب شیوع آسیب شغلی منجر به فوت نسبت به سال ۱۴۰۰، کاهش ۱۱ درصدی داشته است. تعداد آسیب‌های شغلی منجر به فوت در سال ۱۴۰۰ نیز نزدیک به ۲۶۸ نفر و در سال گذشته حدود ۲۱۱ نفر بوده است. ضریب شیوع آسیب شغلی منجر به فوت در سال ۱۴۰۰ به‌ازای ۱۰۰ هزار نفر، ۵/۱ درصد و در سال گذشته ۴/۶ درصد بوده است.

حالا یک هفته بعد از این حادثه نشست درباره این معدن به نام «جان کارگران مهم است» توسط پلتفرم کارزار برگزار شد تا راهکاری برای تکرار نشدن حوادث مشابه به دست بیاید. نشستی که با حضور کنشگران، متخصصان ایمنی و بهداشت حرفه‌ای و پژوهشگران این حوزه برگزار شد و راهکارهایی مانند ایجاد سازمان نظام مهندسی بهداشت حرفه‌ای، راه‌اندازی آژانس ملی ایمنی و توجه به حقوق جوامع محلی نزدیک به صنایع و معدن به میان آمد.

در ابتدای این نشست، امیرحسین زلفی‌گلی، فارغ‌التحصیل رشته بهداشت حرفه‌ای و یکی از نویسندگان کارزار «تشکیل نظام مهندسی اچ.اس.ای» حضور داشت. او به‌عنوان مسئول ایمنی صنایع مختلف ۲۲ سال سابقه کار دارد و تأکید می‌کند که شاید در حوزه قوانین نقص داشته باشیم، اما قوانین موجود هم به خوبی اجرا نمی‌شود. او در گفته‌های خود به موضوع ورود نیروهای غیرمتخصص به حوزه ایمنی حرفه‌ای اشاره کرد که از اوایل دهه ۹۰ آغاز شد و هنوز ادامه دارد: «تا قبل از سال ۵۲، هیچ رشته دانشگاهی برای ایمنی و بهداشت کارگری وجود نداشت. قبل از آن هم به‌واسطه حضور انگلیسی‌ها در شرکت نفت، سیستم ایمنی بهداشت و محیط‌زیست در این شرکت فعال بود اما در باقی شرکت‌های صنعتی در نظر گرفته نشده بود. سال ۶۸ قانون کار در ایران تدوین شد و فصل چهار آن به بهداشت کار اختصاص پیدا کرد و شرکت‌ها موظف به ایجاد کمیته

بهداشت کار شدند.»

زلفی‌گلی می‌گوید، با افزایش دانشگاه‌هایی که رشته ایمنی صنعتی و بهداشت حرفه‌ای داشتند، پرسنل افزایش پیدا کردند و بازار کار خوبی ایجاد شد: «از سال ۹۳ بحثی درباره استفاده از سایر نیروها در زمینه بهداشت حرفه‌ای مطرح شد که منجر به لطمه دیدن این حرفه شد؛ پرسنلی که به‌دلیل نداشتن ظرفیت کاری از رشته خودشان رانده شدند و بعد از گذراندن دوره‌های کوتاه‌مدت، جذب این حوزه شدند. همین مسئله باعث شد وجهه این کار از بین برود. بسیاری از آنها از بدیهیات این رشته اطلاعی نداشتند اما مسئولیت ایمنی یک پروژه را برعهده می‌گرفتند؛ پروژه‌ای که هزار نفر نیرو داشت. به همین دلیل به‌صورت مرتب شاهد حوادث کاری هستیم.» او از ادامه این رویه در زمینه بازرسی کار گفت که طبق آن، داشتن مدرک فنی به تنها ملاک ورود به حوزه بازرسی کار تبدیل شد: «در سال‌های گذشته بازرسان کار صرف دانشتن مدرک فنی به‌عنوان بازرس استخدام می‌شدند، اما اطلاعی از ایمنی و بهداشت شغلی نداشتند. این افراد در کارخانجات آیین‌نامه را کپی می‌کردند و به‌نام صورت نواقص به کارفرمایان ارائه می‌کردند، ولی از ارائه راه‌حل به آنها عاجز بودند. اگر کارخانه‌ای این اقدامات را در مهلت مقرر انجام نمی‌داد، دادگاهی در اداره کار برگزار می‌شد، براساس اصل ۲۹ قانون کار جریمه‌ای در نظر گرفته می‌شد و پول آن به خزانه دولت می‌رفت و در عمل اتفاقی نمی‌افتاد.»

سال گذشته طبق آمار سازمان تامین اجتماعی بالغ بر ۲۷ هزار و ۵۵۲ کارگر آسیب‌دیده در کارگاه‌های صنعتی رخ داد که از این تعداد دو هزار و ۱۵۵ کارگر فوت کردند. زلفی‌گلی از هزینه‌های مستقیم و غیرمستقیم حوادث کارگری می‌گوید: هزینه‌های غیرمستقیم بیشتر از هزینه‌های مستقیم است که می‌توان آن را به نوک کوه یخ تشبیه کرد. از هزینه آموزش کارگر تا خدمات و تجهیزات که دریافت کرده و حتی اتفاقاتی که بعد از وقوع یک حادثه در یک کارگاه رخ می‌دهد. وقتی حادثه‌ای رخ می‌دهد، عملاً آن کارگاه به‌هم می‌ریزد که به‌عنوان هزینه ناشی از حادثه هم در نظر گرفته می‌شود. سال گذشته برآورد شده بود که مبلغ ۵۴ میلیون دلار بابت خسارت هزینه‌های ناشی از کار در ایران پرداخت شده است. اگر نظام مهندسی اچ.اس.ای ایجاد شود، وضعیت بهداشت ایمنی کارگران بهبود پیدا می‌کند.»

### ▾ ایده‌ای برای راه‌اندازی آژانس ملی ایمنی

در ادامه این نشست، فرشاد اسماعیلی، پژوهشگر حوزه کار، جزئیاتی درباره پیشنهاد راه‌اندازی آژانس ملی ایمنی در ایران گفت که به‌دنبال آن می‌توان نهاد واحدی برای پیگیری مسئله ایمنی در حوزه‌های مختلف و نه تنها حوزه کارگاه‌ها ایجاد کرد: «در زمان حادثه پلاسکو طرحی در این زمینه تهیه کرده بودم و گفت‌وگوهایی با



عسکری، ایران

دولت وقت برای عملیاتی کردن آن انجام شد، اما باتوجه به اینکه ضمانت اجرایی سازوکار اجرای آن قابل تضمین نبود، توافقی انجام نشد.»

به گفته اسماعیلی، پیشنهادات مربوط به این حوزه را می‌توان در تمام سطوح، از حکمرانی تا سطح کارکنان هم مطرح کرد: «در پروپوزال پیشنهادی من بحث آژانس ملی ایمنی مطرح شد که از جنس مقررات‌گذاری مجدد بود. این سازمان به پشتوانه سند ملی ایمنی فعالیت می‌کند که الزاماً این ایمنی در سطوح کارگاه مطرح نمی‌شود؛ بلکه در همه حوزه‌ها خواهد بود.»

اسماعیلی از آمار فوت کارگران در ایران می‌گوید؛ به گفته او براساس آمارهای پزشکی قانونی روزانه پنج تا شش کارگر فوت می‌کنند: «ما بحرانی به‌نام ایمنی داریم که محدود به یک حوزه خاص نیست. میزان فعالیت‌های معدنی در ایران به نسبت کشورهای مدعی در این حوزه چندان زیاد نیست، اما آمار حوادث ما چندین برابر است.» این پژوهشگر حوزه روابط کار آژانس ملی ایمنی را از جنس اجتماعی معرفی می‌کند که با نهاد‌های حاکمیتی، دستوری و دولتی متفاوت است: «باتوجه به ماهیت این پیشنهاد، نمی‌توان گفت که با ایجاد آژانس ملی ایمنی آن دولت بزرگ می‌شود. این سازمان در دولت‌های تنظیم‌گر راهی قابل تعریف و تاسیس است و با نقش شبه‌اجرایی، شبه‌تقنینی و شبه‌قضایی پیش‌بینی شده است. ما در حوزه قانون و مقررات با تورم روبه‌رو هستیم و حجم عظیمی از مقررات داریم، اما در عمل به‌ویژه در حوزه معدن می‌بینیم که ضمانت اجرایی کارآمدی ندارند، پیشگیرانه و بازدارنده نیست و عملاً اجرا نمی‌شوند؛ به همین دلیل کارفرما ترسی از عدم اجرای آن ندارد؛ به همین دلیل در حوزه قانون و رگولاتوری نیاز به آژانس ملی ایمنی با نقش شبه‌تقنینی داریم که دوباره قانونگذاری با پشتوانه اجرایی داشته باشد و ضعف‌های این حوزه برطرف شود.»

طبق قانون اساسی وقتی تعارض مسئولیت‌ها بین دستگاه‌های مختلف وجود دارد، ریاست‌جمهوری می‌تواند از اختیارات خود استفاده کند و یک متولی واحد برای آن حوزه پیش‌بینی کند. اسماعیلی به این موضوع اشاره می‌کند و می‌گوید در این صورت می‌توان ایده راه‌اندازی این آژانس را عملیاتی دانست: «به این ترتیب دستگاه‌های مختلف سهم خود را در ارتباط با این آژانس ایفا می‌کنند و بسا یک متولی واحد هماهنگ می‌شوند. برای مثال در زمان پلاسکو پنج، شش مسئول از نهاد‌های مختلف؛ از شهرداری گرفته تا کمیته امداد و وزارت کار و... حضور داشتند، اما همه مسئولیت‌ها پاسکاری می‌شد و متولی واحدی وجود نداشت.»

سازمان بین‌المللی تامین اجتماعی اعلام کرده است که ۱۰۰ درصد حوادث در حوزه کارگری قابل پیش‌بینی است و اگر کارفرماها به‌اندازه یک واحد در حوزه آموزش و پیشگیری از حوادث سرمایه‌گذاری کنند، دو واحد